



بررسی ضرورت افشاء وجود قرارداد تأمین مالی داوری بین‌المللی توسط شخص ثالث و لزوم صیانت از افشاء سایر اطلاعات
محمد مهدی اسدی

کیفیات مشدده جرم در حقوق کیفری ایران

محمد کمالی، محمدباقر بصیر

مبانی حقوق طبیعی جان لاک و تاثیر آن در کنوانسیون حقوق کودک

محمد مهدی داور، سعیده تسلیمی

قضازدایی؛ نگرشی برای پیشگیری از پایداری بزهکاری نوجوانان

محمد جوان‌بخت، پریسا کریمی، محدثه صادقیان لمراسکی

بررسی مفهوم دارنده سند تجارتي

سارا فرزادی مهر، شاپور محمدحسینی، محمدرضا حقیقی

تأثیر سبک زندگی اسلامی در پیشگیری از جرایم یقه سفیدها: بررسی فقهی و حقوقی

مریم کمائی، زهرا انصاری فر، پیتر گاتسچالک

روش‌های حل و فصل اختلافات در قراردادهای فیدیک

آرمان یعقوبی مقدم، محمد غلام پور ویشکائی، محمد یارارشدی

واکاوی سیر تکوینی پدیده مجرمانه نسل‌کشی در بستر تاریخی

محمد جوان‌بخت، مینو محمدی، کیومرث کلانتری درونکلا

نقش قاضی اجرای احکام کیفری در بازدارندگی و فردی کردن مجازات

زهرا نظری

نقد و ارزیابی مسئولیت‌مدیران در قبال بدهی‌های مالیاتی شرکت بر اساس لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت و قانون مالیات‌های مستقیم

نیما رضائی، محمد شجاعی فر، امیرحسن ابوالحسنی

جرایم مالیاتی با دیدگاه کیفر شناختی در حقوق ایران

سیده فائزه فاطمی

مرجع صالح و عنوان خواسته در دعاوی ملی شدن اراضی

مسلم اله یاری

چالش‌های اجرایی دفاتر حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان با محوریت نقش دادیار

سید مهدی احمدی، نسترن ارزانیان

مسئولیت زیست محیطی شرکت‌های چندملیتی در صنعت نفت با تأکید بر اصل «پرداخت آلوده‌ساز»

هادی مسعودی فر، فاطمه نعیمی شامل

تأثیر عدالت ترمیمی و سیاست جنایی بر بزه‌دیدگی جنسی اطفال (از حمایت تا بازپروری)

سید حسین دهقان نیری، مریم مسافری

حق تعیین سرنوشت به مثابه یکی از حقوق بنیادین بشر در خصوص اشخاص تراجنسیتی (با تأکید بر دادنامه صادره از شعبه

سیزدهم دادگاه تجدیدنظر استان مازندران)

محمدسعید حسینی، حشمت رستمی درونکلا، محمد مهدی ساکی، فاطمه دهقان، عباس رضایی گیلانی

حمایت از حقوق فرهنگی زندانیان در اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و نظام حقوقی ایران

مرجان نگهی مخلص آبادی

تحلیل نظام حقوق مالیاتی حاکم بر شرکت‌های تجاری

پریسا رضوان، علی زارع

کرامت انسانی در حقوق کیفری و اسناد بین‌المللی

محمدامین ابراهیمی

نقش اموال تملیکی دولت در پیشبرد اهداف اقتصادی: تحلیل قوانین و بررسی موانع و راهکارها

الهام درکی، آپدا مخترع، بهنام رستگاری

موضوعیت و ادله اثبات جرم در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

صادق بنی طرفیان حویبزاوی

سیاست کیفری افتراقی قانون نیروهای مسلح در قبال فروش اموال و اشیای نظامی

یاسر شاکری



The Foundations of Natural Rights in John Locke and Its Impact on the Convention on the Rights of the Child

مبانی حقوق طبیعی جان لاک و تأثیر آن در کنوانسیون حقوق کودک

Mohamad Mahdi Davar

Bachelor of Philosophy and Islamic Wisdom, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author)

محمد مهدی داور
کارشناسی فلسفه و حکمت اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
mohamadmahdidavar@ut.ac.ir
<http://orcid.org/0009-0002-1379-4765>

Saeideh Taslimi

Master student of Family Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

سعیده تسلیمی
دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خانواده، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
sa.taslimi@sbu.ac.ir

Abstract

Natural rights play a fundamental role in the political, legal, and economic system of John Locke. Many of his views are based on natural rights. Although Locke is not the first scholar to discuss natural rights, and before him, other thinkers have theorized about it in different eras and intellectual traditions, it must be claimed that Locke is a modern natural rights theorist and has presented a novel interpretation of this theory. Locke's natural rights are based on equality and individual independence. Freedom, life, and property are the three basic pillars of Locke's theory. However, many international charters that defend human rights also in some way protect personal freedom, life, and property of individuals around the world. One of the international agreements is the Convention on the Rights of the Child in the United Nations, which defends the freedom and security of children worldwide and guarantees their basic rights. In this convention, natural rights patterns, especially those of Locke, can be seen, and he is also considered the spiritual father of human rights and one of the sources of modern human rights, the foundations of natural rights. Therefore, the main purpose of this paper is to examine the foundations of natural rights in the Convention on the Rights of the Child and compare them with the foundations of John Locke.

Keywords: John Locke, Natural Rights, Children's Rights, Convention, Freedom, Security.

چکیده

حقوق طبیعی در نظام سیاسی، حقوقی و اقتصادی جان لاک، نقش بنیادینی را بازی می‌کند. به طوری که بسیاری از آراء وی مبتنی بر حقوق طبیعی می‌باشد. با این که جان لاک اولین اندیشمندی نیست که درباره حقوق طبیعی سخن رانده و پیش از وی نیز متفکرانی در ادوار مختلف و سن فکری متفاوت در این باره نظریه پردازی کرده‌اند، ولی باید چنین ادعا کرد که لاک، نظریه پرداز حقوق طبیعی مدرن می‌باشد و قرائتی نوین از این نظریه ارائه داده است. حقوق طبیعی لاک بر مدار برابری و استقلال فردی استوار است. آزادی، جان و مال سه رکن اساسی نظریه لاک می‌باشند. از سوی دیگر، بسیاری از منشورهای بین‌المللی که مدافع حقوق بشر هستند، نیز به نوعی حافظ آزادی شخصی، جان و مال افراد در سراسر جهان می‌باشند. یکی از توافقات بین‌المللی، کنوانسیون حقوق کودک در سازمان ملل متحد می‌باشد که مدافع آزادی و امنیت کودکان در سراسر جهان است و حقوق اساسی آن‌ها را تضمین می‌کند. در این کنوانسیون، الگوهای حقوق طبیعی، علی‌الخصوص حقوق طبیعی جان لاک دیده می‌شود و همچنین لاک را پدر معنوی حقوق بشر دانسته‌اند و یکی از منابع حقوق بشر به معنای نوین، مبانی حقوق طبیعی می‌باشد. بر همین اساس، هدف اصلی این نوشتار بررسی مبانی حقوق طبیعی در کنوانسیون حقوق کودک و تطبیق آن با مبانی جان لاک می‌باشد.

واژگان کلیدی: جان لاک، حقوق طبیعی، حقوق کودک، آزادی، امنیت.

ارجاع:

داور، محمدمهدی؛ تسلیمی، سعیده؛ (۱۴۰۲)، مبانی حقوق طبیعی جان لاک و تأثیر آن در کنوانسیون حقوق کودک، تمدن حقوقی، شماره ۱۷.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



مقدمه

جان لاک فیلسوف انگلیسی قرن هفدهم از تأثیرگذارترین متفکران در جهان است. آراء خاص او در زمینه معرفت‌شناسی در کتاب جستاری در فهم بشر بیان شده است که تحولات مهمی را در زمینه معرفت‌شناسی به همراه داشته است. علاوه بر تأثیر شگرفت وی در معرفت‌شناسی، می‌توان وی را یکی از مؤثرترین فیلسوفان سیاسی نیز دانست، وی رساله‌های متعددی در زمینه سیاست و فلسفه سیاسی نگاشته است که تأثیرات عمیقی را بر جای گذاشته است. شاخص‌ترین اثر سیاسی وی «دو رساله در باب حکومت» است که وی در رساله اول صرفاً وقت خود را متمرکز بر پاسخ به سر رابرت فیلمر داده است و در رساله دوم، مبانی سیاسی، اقتصادی و حقوقی خود را ارائه داده است. آراء سیاسی وی، به خصوص آراء وی در رساله دوم، ریشه لیبرالیسم کلاسیک می‌باشد. همچنین مفاهیم دولت حداقلی، دموکراسی، مشروعیت انقلاب‌ها، نیز در این رساله مشهود است. از سوی دیگر، بسیاری از مبانی اقتصاد بازار و اقتصاد آزاد نیز در این رساله بیان شده است. البته باید خاطر نشان کرد که آراء خاص لاک، منحصر در این رساله نمی‌شود، ولی از نظر اهمیتی که این رساله در زمینه سیاست، حقوق و اقتصاد دارد، بیشتر تمرکز ما در این پژوهش، این رساله می‌باشد.

علاوه بر مباحث فلسفه سیاسی جان لاک که منشاء نظریه لیبرالیسم کلاسیک نیز می‌باشد، وی در دو رساله در باب حکومت، با ذکر مبانی سه‌گانه آزادی، امنیت و مالکیت که در پرتو عقل، برابری و استقلال

افراد می‌باشد، مبانی مهمی را وارد فلسفه حقوق کرده است که ما آن را نظریه مدرن حقوق طبیعی می‌نامیم. همچنین، با ذکر رکن مالکیت و سخنانی که وی در مورد این رکن اساسی حقوق طبیعی گفته است، وی به ذکر آراء خاص اقتصادی خود می‌پردازد و همان‌طور که اشاره شد، منشاء اقتصاد بازار و مالکیت خصوصی می‌باشد.

با بررسی مبانی وی در مورد حقوق طبیعی انسان و حقوقی که افراد دارند، می‌توان پی به این نکته برد که مفهوم حقوق طبیعی که جان لاک بیان می‌کند، بسیار نزدیک به مفهوم حقوق بشر به معنای رایج است. از همین جهت، برخی جان لاک را پدر معنوی حقوق بشر دانسته‌اند. مطالبی را که وی بیان می‌کند، به قدری نزدیک به مبانی حقوق بشر به معنای رایج است که ممکن است، حقوق طبیعی جان لاک را مترادف با حقوق بشر اخذ کرد. ولی حقیقت امر این است که حقوق بشر به معنای رایج امروزی، دارای چند مبنا می‌باشد و یکی از آن‌ها کلیت نظریه حقوق طبیعی می‌باشد. برای همین نمی‌توان حقوق بشر به معنای رایج را با حقوق طبیعی جان لاک دارای این همانی دانست.

نظریه حقوق طبیعی همان‌طور که بعداً نیز خواهد آمد، صرفاً مربوط به جان لاک نیست و متفکرانی پیش از جان لاک نیز در مورد حقوق طبیعی سخن رانده‌اند. به عبارت دیگر، مادامی که بشر بوده است، نظریه حقوق طبیعی نیز بوده است. بحث اینجاست که جان لاک، تقریر نوینی را از حقوق طبیعی بیان کرده است. همچنین، اگر مفهوم کلی حقوق بشر را ملاحظه کنیم، آنگاه می‌توانیم بگوییم که این مفهوم با مفهوم کلی حقوق طبیعی یا حتی کلی تر، قانون طبیعی دارای این همانی است. ولی اگر حقوق بشر به معنای رایج و مکتوب را ملاحظه کنیم، یعنی چیزی که از حقوق طبیعی به حقوق موضوعه انتقال یافته است، آنگاه باید اذعان کرد که دستخوش تحولات بسیاری شده است و نظرات مختلفی در آن اثر گذاشته‌اند، آنگاه در این صورت باید گفت که حقوق طبیعی و قرائت جان لاک از حقوق طبیعی خود می‌توانند رکنی از حقوق بشر باشند.

می‌توان چنین گفت که منشور حقوق بشر سازمان ملل متحد که سرآغاز حقوق بشر به معنای نهاد شناخته شده بیرونی است، دارای سه رکن اساسی آزادی، عدالت و صلح است و همچنین این منشور و مفاد آن در سایر کنوانسیون‌های سازمان ملل متحد نیز تأثیر اساسی داشته است. یکی از کنوانسیون‌هایی که در سازمان ملل متحد به تصویب رسیده است، کنوانسیون حقوق کودک می‌باشد که در بیست و سوم نوامبر ۱۹۸۹ میلادی به اتفاق آراء تصویب شد. این کنوانسیون نیز یکی از کنوانسیون‌های حقوق بشری

می‌باشد، با این تفاوت که دایره شمول آن فقط کودکان می‌باشند.

پیش فرض اساسی پژوهش بر این می‌باشد که مبانی حقوق طبیعی جان لاک در حقوق بشر به عنوان نهاد شناخته شده بیرونی تأثیر به سزایی گذاشته است، همان‌طوری که نظریات وی در اعلامیه استقلال ایالات متحده آمریکا و انقلاب فرانسه مؤثر بوده است. همچنین مبانی آزادی، عدالت، امنیت و مالکیت نیز در بندهای منشور حقوق بشر سازمان ملل دیده می‌شود. بر اساس همین فرض اصلی، سوال پژوهش چنین می‌باشد که آیا کنوانسیون حقوق کودک، مؤثر از آراء حقوق طبیعی جان لاک چه به طور مستقیم و چه به طور غیرمستقیم بوده است؟ و یا آیا مفاد کنوانسیون حقوق کودک، با مبانی حقوق طبیعی جان لاک مطابقت دارد؟ به همین جهت ابتدا مبانی حقوق طبیعی جان لاک همراه با ریشه‌های آن بررسی خواهد شد و سپس ساختار هندسی کنوانسیون حقوق کودک و مفاد اساسی آن بیان می‌گردد و در نهایت نیز تشابهات مبانی حقوق طبیعی لاک با مفاد بنیادین کنوانسیون گفته می‌شود.

روش تحقیق در این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد. منابع اصلی استفاده شده در این پژوهش رساله دوم در باب حکومت جان لاک و متن کنوانسیون حقوق کودک می‌باشد. در وهله بعدی منابع استفاده شده در این پژوهش، سایر کتب اندیشمندان و کتب لاک پژوهان می‌باشد. همچنین از مقاله‌های معاصرین در زمینه‌های مربوط این نوشتار بهره برده شده است. همچنین، از آنجایی که مفهوم حقوق طبیعی مفهوم بسیار گسترده و مهمی می‌باشد و مفهوم حقوق طبیعی به معنای مدرن، که ما آن را به لاک بر می‌گردانیم، بر اهمیت موضوع می‌افزاید، نیاز به توصیف دارد، این پژوهش یک پژوهش توصیفی محسوب می‌گردد. از سوی دیگر، از آن جهت که مبانی اساسی کنوانسیون استخراج و با مبانی حقوق طبیعی جان لاک مقایسه می‌گردد و در نهایت مطالب استخراج شده و مقایسه شده نیاز به تحلیل محتوایی دارد، می‌توان گفت که این گفتاورد، یک پژوهش تحلیلی است. بنابراین می‌توانیم این پژوهش را یک نوشتار توصیفی-تحلیلی بنامیم.

در مورد مفهوم حقوق طبیعی و حقوق طبیعی از نظر جان لاک پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است. درباره مقایسه حقوق طبیعی با حقوق بشر نیز تحقیقاتی انجام گرفته است. همچنین در مورد تأثیر مبانی فکری جان لاک در منشور حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز بررسی‌هایی شده است. ولی در مورد مبانی حقوق طبیعی جان لاک و تأثیر آن در کنوانسیون حقوق کودک و یا شباهت‌های مواد کنوانسیون حقوق کودک با حقوق طبیعی جان لاک، تا جایی که جست و جو کرده‌ایم، پژوهشی صورت نگرفته

است. همچنین در مورد مبانی تربیتی جان لاک برای کودکان و مباحث او در مورد والدین نیز تحقیقاتی صورت گرفته است که از نظر تربیتی و رفتاری می‌توان آن‌ها را وارد حوزه حقوق کودک کرد. در پژوهشی نیز مبانی تربیتی کنوانسیون حقوق کودک با مبانی تربیتی سنتی کودکان مقایسه شده است و در آن اندیشه جان لاک، در ردیف مبانی فکری توماس هابز و جان استوارت میل گذاشته شده است و مبانی این سه فیلسوف جزء دسته سنتی و در مقابل مبانی تربیتی کنوانسیون قرار گرفته است. به هر روی آنچه در پژوهش ما بررسی می‌شود، سازگاری مبانی حقوق طبیعی جان لاک با کنوانسیون است.

بر همین اساس، اگر حقوق طبیعی را یک کل در نظر بگیریم و حقوق بشر به معنای نهاد شناخته شده بیرونی را یک جزء در نظر بگیریم، مقایسه این دو یک مقایسه کل به جزء است و اگر حقوق طبیعی را با مفهوم حقوق بشر به معنای غیرنهادی مقایسه کنیم یک مقایسه کل با کل است. همچنین اگر حقوق طبیعی جان لاک را یک کل در نظر بگیریم و آن را با مفهوم کلی حقوق طبیعی مقایسه کنیم یک مقایسه جزء با کل است و اگر حقوق بشر به معنای جزء را با حقوق طبیعی لاک مقایسه کنیم، یک مقایسه جزء با جزء است و اگر همان جزء را این بار با حقوق بشر به معنای کل مقایسه کنیم، یک مقایسه جزء با کل است و اگر حقوق کودک را جزئی از حقوق بشر چه به معنای مفهومی و چه به معنای نهادی بدانیم، یک مفهوم جزئی است و اگر آن را با حقوق طبیعی مقایسه کنیم یک مقایسه جزء با کل است، اگر آن را با حقوق بشر به هر دو معنا بررسی کنیم، باز هم یک مقایسه جزء با کل است. حقوق طبیعی جان لاک به یک لحاظ کل است، اگر حقوق کودک را با این کل بررسی کنیم، یک مقایسه جزء به کل است و اگر حقوق طبیعی جان لاک را جزئی در نظر بگیریم، این بار مقایسه حقوق کودک با حقوق طبیعی جان لاک یک مقایسه جزء با جزء تلقی می‌گردد. فرض این پژوهش بر این است که حقوق طبیعی جان لاک جزء است، بنابراین مقایسه کنوانسیون حقوق کودک با مبانی حقوق طبیعی جان لاک، یک مقایسه جزء به جزء است. برای همین جا دارد که تحقیقاتی نیز در زمینه مقایسه کل با کل و کل با جزء در این زمینه شود.

۱- مبانی اساسی

با بررسی مبانی لاک می‌توان دریافت که قرائت وی از حقوق طبیعی بر دو اصل خرد و برابری استوار شده است. آنچه ما در اینجا عقل می‌خوانیم، همان عقلی است که بدیهیات را تشخیص می‌دهد و به اصطلاح آن را خرد ناب می‌نامیم و مراد ما عقل نظری و استدلالی نمی‌باشد. تمامی افراد بشر از عقل سلیم

برخوردار هستند و بسیاری از مطالب توسط منبع معرفتی عقل سلیم به حوزه معرفتی انسان وارد می‌شود.^۱ دومین رکنی که حقوق طبیعی لاک بر آن استوار شده است، بحث برابری و استقلال می‌باشد. تمامی انسان‌ها از نظر آفرینش با یکدیگر مساوی هستند و همچنین در برخورداری از حقوق طبیعی، یعنی آزادی، جان و مال تمامی افراد با یکدیگر برابر هستند. علاوه بر این دو اصل کلی که مبانی حقوق طبیعی در پرتو این دو می‌باشد، مبانی حقوق طبیعی همان آزادی، جان و مال است که بیان شد. تمامی انسان‌ها به حکم عقل و برابری، دارای آزادی فطری می‌باشند و همچنین به حکم عقل و برابری، جان و مال انسان‌ها محترم است و نباید به آن تجاوز شود. هرگاه که بحث از تجاوز به این سه حریم که به از حقوق طبیعی انسان می‌باشد پیش بیاید، بحث از قانون مطرح می‌شود. درحقیقت قانون می‌کوشد که این سه حق اساسی و طبیعی انسان را پاسداری کند و اگر کسی خلاف قانون عمل کند و به حقوق طبیعی انسان تجاوز کند، بحث از مجازات پیش می‌آید.

به همین علت، در این نوشتار، ما حفاظت از مال و جان را امنیت نام‌گذاری کرده‌ایم. از این جهت می‌توان امنیت را نیز جزء ارکان اصلی حقوق طبیعی جان لاک دانست. از طرف دیگر، مشاهده می‌شود که در بسیاری از قوانین و منشورها، بحث از امنیت به عنوان یکی از ارکان اساسی خوانده می‌شود. در کنوانسیون حقوق کودک نیز از برابری کودکان، آزادی آنان در اندیشه و عمل و امنیت آن‌ها در جان خود، بحث شده است.

۲- برابری و استقلال

جان لاک، نظریات خود را براساس وضعیت طبیعی بیان می‌کند. وی وضعیت طبیعی انسان‌ها را در برابری و استقلال می‌داند و البته این را نیز یک قانون الهی و ازلی می‌داند (تامسون، ۲۰۱۵، ۱۱۴). از نظر لاک وضعیت طبیعی بر دو ویژگی آزادی و برابری افراد استوار است.^۲ وضع طبیعی قانون طبیعی دارد که بر وضع حاکم است بر همگان الزام آور است. عقل نیز همان قانون طبیعت است و همه افراد نیز دارای عقل هستند و از عقل مدد می‌جویند و عقل نیز چنین حکم می‌دهد که چون همه برابر و مستقل هستند، بنابراین

۱- به همین جهت است که دموکراسی می‌تواند نوع مطلوبی از حکومت باشد، زیرا آنچه به عنوان مبنای انتخاب در دموکراسی مدنظر است، عقل سلیم مردم می‌باشد و نه هیجانان و عواطف.

۲- لاک: رساله دوم

نباید به آزادی، امنیت و اموال دیگران آسیب زد (عالم، ۱۳۹۶، ۲۷۶). به همین جهت می‌توان مسئله برابری و استقلال را در حقوق طبیعی جان لاک، مسئله‌ای کلیدی دانست که ارکان دیگر در سایه این مسئله می‌باشند. شاید جان لاک، مسئله برابری و استقلال افراد را به این دلیل گفته است که همه افراد در وجود عقل با یکدیگر برابر هستند.^۳ البته این به این معنا نیست که در آزادی، امنیت و مالکیت ثانویه نیز همه با یکدیگر برابر باشند. ممکن است کسی از زمینی که در ابتدا ثروت مشترک میان همگان است، همان‌طور که خود لاک می‌گوید، بهره‌برداری کند و صاحب آن شود و حق او نیز می‌باشد.^۴ برابری از آن جهت است که در وهله نخست، همه افراد در مرحله‌ای از مساوات قرار دارند و می‌توانند با استفاده از عقل خود، صاحب آن زمین شوند.

قرینه دیگری که می‌توان گفت مسئله اساسی برابری در حقوق طبیعی جان لاک براساس مساوات در وجود عقل در میان افراد می‌باشد. چنین است که دیوید هیوم در موضع انتقاد از حقوق طبیعی کلیت عقل را زیرسوال می‌برد. وی می‌گوید کلیات از جزئیات زاده می‌شوند و جزئیات نمی‌توانند قواعد کلی را استنتاج کنند، در حالی که مفاهیمی چون عدالت، برابری و حقوق طبیعی از مفاهیم کلی است.^۵ از سوی دیگر جان لاک، ریشه برابری را به دلیل احکام خداوند و شیوه آفرینش می‌داند. از نظر لاک، عدالت و برابری از احکام خداوند است. اگر حقوق طبیعی را قانون الهی و ازلی بدانیم، بر این اساس، اجزای آن نیز از قوانین الهی خواهند بود. جان لاک همه افراد را در آفرینش با یکدیگر برابر می‌داند و بین افراد عدالت برقرار است. این عدالت در وضعیت طبیعی براساس قانون طبیعت است، قوانین طبیعی نیز، قوانین خداوند است، بنابراین عدالت از قوانین خداوند است (عالم، ۱۳۹۶، ۲۷۶). مفهوم سخن جان لاک به شکل یک قیاس اقترانی چنین می‌باشد: مقدمه نخست: عدالت در وضعیت طبیعی براساس قانون طبیعت است و در طبیعت جاری می‌باشد. مقدمه دوم: قانون طبیعت نیز قانون الهی است. نتیجه: بنابراین، عدالت از قوانین الهی است و در طبیعت جاری می‌باشد.

بروس هداک نیز معتقد است که از نظر جان لاک دولت طبیعت، دولت برابری است و در آن

۳- رنه دکارت نیز در کتاب گفتار در روش به کاربردن خرد، افراد را در وجود عقل با یکدیگر برابر می‌داند (دکارت، گفتار در روش به کار بردن صحیح عقل، ۱).

۴- لاک: رساله دوم

۵- نک: هیوم، درباره طبیعت انسانی

حاکمیت متقابل است و فردی از فرد دیگر قدرت بیشتری ندارد (هادوک، ۱۳۹۲، ۱۷۳). یکی از معاصرین نیز چنین اذعان دارد که جان لاک، وضع طبیعی را وضعیت برابر می‌داند و هیچ کس بر دیگری برتری و حاکمیت ندارد، ریشه این نظر لاک براساس نگاه موحدانه وی به هستی است، زیرا همه مخلوقات در مقابل خالق برابر و یکسان هستند. جان لاک این نگاه موحدانه را هماهنگ با دستگاه فلسفه سیاسی و نظام معرفت‌شناسی خود کرده است (مکتبی، ۱۳۹۶، ۷۲). پروفیسور طباطبائی نیز، نظر لاک را بیان می‌کند و چنین اذعان می‌دارد که از نظر جان لاک افراد در وضعیت طبیعی آزاد و برابر می‌باشند و اعمال قانون طبیعی برعهده خود افراد می‌باشد، زیرا هیچ نهادی وجود ندارد که بخواهد قوانین طبیعی را اعمال کند (طباطبائی، ۱۳۹۳، ۲۶۹). درحقیقت، وجود نهادها براساس قوانین موضوعه و قراردادهای انسان‌ها می‌باشند، وقتی وارد حوزه حقوق موضوعه می‌شویم که از حوزه حقوق طبیعی خارج شویم،^۶ در

۶- انسان در وهله اول در وضعیت طبیعی قرار دارد و براساس لحاظ تاریخی، یا براساس پیمان و توافق با یکدیگر از وضعیت طبیعی وارد جامعه مدنی و سیاسی می‌شود. شکل‌گیری جامعه مدنی و سیاسی براساس حقوق موضوعه است، بنابراین وجود دولت و سایر نهادها از حوزه وضعیت طبیعی خارج است. براساس نظریه نیت خالق، یعنی همان نظری که بیان می‌کند، همه مخلوقات در برابر خالق یکسان می‌باشند، جان لاک وضعیت طبیعی را شرح داد و اذعان داشت که افراد در وضعیت طبیعی، یعنی وضعیت مساوات و برابری قرار دارند. ولی گاهی این وضعیت طبیعی که وضعیت صلح است، با خلل یک سری افراد متجاوز روبرو می‌شود که وضعیت را از صلح به جنگ تبدیل می‌کنند. به همین جهت، نیاز به قدرتی پیدا می‌شود که این متجاوزین را مهار کند. در حالت طبیعی، این قدرت باید در تک تک افراد وجود داشته باشد، زیرا حکومتی هنوز وجود ندارد. در فرض دوم، انسان باید چنان منطقی و اخلاقی باشد که بتواند داور اعمال خود باشد، در فرض اول، این چنین نمی‌باشد و نیاز به نهاد مدنی و حکومت پیدا می‌شود. به نظر می‌رسد که این استدلال جان لاک، پارادوکسیکال است. این مسئله پارادوکسیکال، با بیان آراء وی در مورد مالکیت حل خواهد شد. در زمینه حراست از مالکیت، به هر حال نیاز به یک نهاد مدنی و حکومت پیدا می‌شود. همچنین لاک معتقد است که انسان‌ها این حق را دارند که هر حکومتی را که مستبد بود را نابود کنند. مراد لاک، از حکومت، یک حکومت مستبد و مقتدر نیست. البته شاید وجود یک حکومت مقتدر در کوتاه مدت، رافع مشکلات باشد، ولی بعدها منجر به آسیب خواهد شد. لاک معتقد است که اگر قدرت سیاسی در یک جا متمرکز شود، به دلیل لذت‌های فردی و یا گروهی، از شرایط آرمانی طبیعی عدول نموده و نفع انسان‌های صلح طلب با لذت‌های فردی و گروهی افراد جنگ طلب در می‌آمیزد و آنگاه باعث جنگ می‌شود (Locke, 82). توماس هابز نیز چنین عقیده را دارد (Hobbes, 1651). بنابراین می‌توانیم بگوییم که لاک منکر جنگ در وضع طبیعی نیست و داستان هابیل و قابیل را نیز از سفر پیدایش نقل می‌کند و مانند هابز به

جایی که حقوق طبیعی حاکم و جاری است، وجود نهاد معنایی ندارد، بنابراین در وضعیت طبیعی، تنها مجری قانون، که همان قانون طبیعی است، خود فرد می‌باشد.

همان‌طور که گفته شد، با بررسی مفاد کنوانسیون، محورهای اساسی آن به عدالت، آزادی و امنیت باز می‌گردد که عدالت و مساوات همان هسته مرکزی حقوق طبیعی لاک می‌باشد و آزادی و امنیت نیز از ارکان اصلی حقوق طبیعی لاک است. مواد متعددی از کنوانسیون دلالت بر عدالت و برابری کودکان می‌کند. از جمله، ماده‌های ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷ و ۱۸. در یازده ماده از پنجاه و چهار ماده کنوانسیون حقوق کودک به مسئله برابری و استقلال کودکان اشاره شده است و کنوانسیون، برابری و استقلال را از حقوق ذاتی کودک شمرده است. برابری و استقلال

خوی جنگ طلبانه انسان واقف بوده است (شریعت، ۱۳۸۴، ۱۸۹). بنابراین، در حالت طبیعی نیز ممکن است، ذهن انسان برای رسیدن به خواست خود، حکم به جنگ دهد و به همین علت است که انسان‌ها برای رهایی از جنگ با یکدیگر توافق می‌کنند (شریعت، ۱۳۸۴، ۱۸۹) و (Locke, 282).

- ۷- هر کودکی حق ذاتی زندگی دارد.
- ۸- هر کودکی از بدو تولد حق داشتن نام، حق کسب تابعیت و حق شناخت و مراقبت توسط والدین خود را دارد.
- ۹- هر کودکی حق دارد هویت خود را حفظ کند.
- ۱۰- فرزندان والدین شاغل حق بهره‌مندی از خدمات و تسهیلات مراقبت از کودک را دارند که واجد شرایط دریافت آن‌ها هستند.
- ۱۱- هر کودکی که به طور موقت یا دائم از محیط خانوادگی خود محروم می‌شود، حق دارد از حمایت و کمک ویژه‌ای که توسط دولت ارائه می‌شود، برخوردار شود.
- ۱۲- هر کودک ناتوان ذهنی یا جسمی حق دارد از زندگی کامل و شایسته در شرایطی که متضمن عزت و اتکا به نفس باشد، برخوردار است.
- ۱۳- هر کودکی حق برخورداری از بالاترین استانداردهای بهداشتی و امکاناتی برای درمان بیماری و توانبخشی سلامت دارد.
- ۱۴- هر کودک حق بهره‌مندی از خدمات تأمین اجتماعی از جمله بیمه اجتماعی را دارد.
- ۱۵- هر کودکی حق دارد از سطح زندگی مناسب برای رشد جسمی، ذهنی، معنوی، اخلاقی و اجتماعی کودک برخوردار باشد.
- ۱۶- هر کودکی حق تحصیل دارد.
- ۱۷- هر کودکی حق دسترسی فوری به کمک‌های حقوقی و دیگر کمک‌ها را دارد.

اصلی‌ترین رکن حقوق طبیعی جان لاک می‌باشد و همچنین بحث برابری و استقلال از مفاد اصلی اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز می‌باشد.^{۱۸}

۳- آزادی

از نظر جان لاک، آزادی همانند امنیت و برابری جزء وضع طبیعی محسوب می‌گردند. تمامی افراد بشر به حکم وضع طبیعی از آزادی ذاتی برخوردار هستند. بنا به نظر جان لاک: «وضع طبیعی دارای قانون طبیعی است که حاکم بر آن می‌باشد و همگان را ملزم می‌گرداند و عقل که همان قانون است به همه انسان‌هایی که از عقل رای می‌جویند و بسا می‌آموزند که چون همه آن‌ها برابر و مستقل هستند، هیچ کس نباید گزندی به جان، سلامت، آزادی یا مال کسی بزند» (لاک، ۱۸۲۴، ۳۴۱). بر این اساس وضع طبیعی، وضع آزادی است و نه وضع بی‌بندوباری (لعل‌علیزاده، ۱۳۹۵، ۸۷).

لاک به عنوان پدر لیبرالیسم، از مدون‌کنندگان نظریه فردباوری است. در لیبرالیسم فرد و حقوق فردی از اهمیت خاصی برخوردار است و آزادی نیز جزء مهم‌ترین حقوقی است که در این موضوع مطرح می‌شود (لعل‌علیزاده، ۱۳۹۵، ۹۲). کرانستون مدعی است که لاک اولین اندیشمندی است که نظام فکری را بر بنیاد آزادی ترسیم می‌کند (لعل‌علیزاده، ۱۳۹۵، ۹۲). جان لاک آزادی را یک حق و یک انتخاب می‌داند. وی چنین می‌گوید که «تا آنجا که انسان قدرت فکر کردن یا فکر نکردن، براساس ترجیح یا هدایت ذهن خود را دارا است، تا آن حد انسان آزاد است» (لاک، ۱۸۲۴). بر همین اساس، قدرت با آزادی متلازمان هستند. از نظر لاک، «ایده آزادی، ایده قدرت است» (لاک، ۱۸۲۴). همچنین تلازم دیگر آزادی، با تفکر و تعقل است. از نظر برخی از معاصرین، «لاک، آزادی را در تفکر جستجو می‌کند» (محمودی، ۱۳۷۶). خود جان لاک در موضعی می‌نویسد، «بدون آزادی، ادراک راه به مقصود نخواهد برد و بدون ادراک، آزادی، هیچ معنایی نخواهد داشت» (لاک، ۱۸۲۴). تلازم دیگر، دخیل بودن ذهن و ترجیح آن است، یعنی برای داشتن آزادی، اراده، نیز لازم است (لعل‌علیزاده، ۱۳۹۵، ۹۲). براساس نظر لاک «اراده چیزی جز قدرت یا توانایی نیست» (لاک، ۱۸۲۴).

حقوق طبیعی اگر به صورت قانون مدون شود که دارای قانون‌گذار و مجری قانون باشد، از حقوق طبیعی به حقوق موضوعه و قراردادی انتقال می‌یابد. آزادی از نظر جان لاک، یکی از ارکان اساسی حقوق

طبیعی است. حال این نکته قابل تأمل است که آیا آزادی در حقوق موضوعه و حقوق مدنی با وجود قانون‌گذار و مجری و حاکم، وجود دارد. وضع مدنی تبعیت از قوانینی است که حاکم و قانون‌گذار وضع می‌کند. جان لاک قانون را محدودکننده و مقیدکننده انسان‌ها نمی‌داند. از نظر او قانون در وضع مدنی نقش مثبت دارد، هرگاه این نقش مثبت را از دست دهد، خود به خود از بین خواهد رفت. بنابراین قوانینی که در وضع مدنی وضع گردیده و تطبیق می‌شوند، غایت از بین بردن یا تحدید آزادی نیست، بلکه محافظت و توسعه آن است (لعل علیزاده، ۱۳۹۵، ۹۲). از نظر جان لاک، آزادی به معنای رها بودن از قید و تجاوز دیگران است و آنچه فرد را در مقابل تجاوز دیگران محافظت می‌کند، قانون است (لعل علیزاده، ۱۳۹۵، ۹۲). در نتیجه، جان لاک بین فرمانروایی و فرمانبرداری و آزادی تناقض نمی‌بیند، انسان هم می‌تواند تابع باشد و هم آزاد، در وضع طبیعی نیز هم تابع قانون طبیعی است و هم به حکم حقوق طبیعی به صورت ذاتی آزاد است. با بررسی مفاد کنوانسیون حقوق کودک، از آزادی در دوازده ماده (۱۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۶، ۱۷، ۲۲، ۲۹، ۳۰، ۳۱ و ۳۷) از این کنوانسیون به عنوان حقوق اساسی کودک سخن

-
- ۱۹- هر کودکی آزاد در حفظ هویت خود مانند ملیت، نام و روابط خانوادگی خود می‌باشد.
 - ۲۰- هر کودکی آزاد است که در کنار والدین خود زندگی کند و در صورت جدا شدن والدین، این حق کودک است که آزادانه با هر کدام از والدین تماس داشته باشد.
 - ۲۱- هر کودکی آزاد در ترک کشور می‌باشد.
 - ۲۲- هر کودکی آزاد در انتخاب عقیده خود می‌باشد.
 - ۲۳- هر کودکی آزاد در بیان عقیده و اندیشه خویش می‌باشد و در جست و جو، دریافت و رساندن اطلاعات خود بدون توجه به مرزها و به صورت کتبی و شفاهی آزاد است.
 - ۲۴- هر کودکی در امور شخصی و خانوادگی خود آزادی کامل دارد و کسی حق دخالت در آن را ندارد.
 - ۲۵- هر کودکی حق دسترسی به رسانه را دارا می‌باشد و در انتشار عقاید خود در رسانه‌ها و انتشار کتاب آزاد می‌باشد.
 - ۲۶- هر کودکی در پناهنده شدن به کشوری دیگر آزاد است.
 - ۲۷- هر کودکی در مسائل مربوط به استعدادیابی توانایی‌های خود، توسعه هویت فرهنگی، از قبیل زبان و ارزش‌های فرهنگی خود آزاد است.
 - ۲۸- هر کودکی در انجام اعمال مذهبی خود و در زبان خود آزاد است.
 - ۲۹- هر کودکی در تفریح، بازی و فعالیت‌های خلاق مناسب سن خود آزاد است و حق شرکت آزادانه در فعالیت‌های فرهنگی و هنری را دارا می‌باشد.

رانده شده است و می‌توان چنین ادعا کرد که بحث آزادی به عنوان یکی از مبانی اصلی این کنوانسیون می‌باشد. بنابراین از این جهت نیز مشابه با حقوق طبیعی جان لاک می‌باشد همان‌طور که بیان شد، در دوازده ماده از پنجاه و چهار ماده کنوانسیون حقوق کودک به مسئله آزادی کودک اشاره شده است و بنابراین می‌توان مسئله آزادی را از اصول کنوانسیون حقوق کودک دانست. در مبانی فلسفی و حقوقی جان لاک، بحث آزادی از اصول اساسی حقوق طبیعی می‌باشد و همچنین در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز مسئله آزادی از ارکان اعلامیه می‌باشد.^{۳۱}

۴- امنیت

آزادی، جان و مال به عنوان سه رکن اساسی در حقوق طبیعی جان لاک مطرح است. در طرح اولیه‌ای که جان لاک از قانون طبیعی حاکم بر سراسر جهان دارد، هر کدام از این سه اصل، مصون از خطرات و تهدیدات می‌باشند. از نظر لاک، در وضعیت طبیعی هر فردی داور اعمال خویش می‌باشد. ولی وی اذعان می‌دارد که در چنین وضعی نیز مشکلاتی رخ خواهد داد.^{۳۲} مشکلاتی که ممکن است در این وضع رخ دهد به این علت است که قانون مدون و شناخته شده‌ای وجود ندارد؛ قاضی بی‌طرفی برای حل اختلافات وجود ندارد؛ و قوه اجرایی برای اجرای ساختن قضاوت‌ها و قوانین نیز وجود ندارد (لعل علیزاده، ۱۳۹۵، ۹۶). در چنین جایی نیاز به قانون و حکومت پیدا می‌شود. جان لاک تنها راه حل مشکلات میان افراد در وضعیت طبیعی را وجود حکومت می‌داند.^{۳۳} در چنین وضع جدیدی که پیش می‌آید، انسان از صلح پایدار برخوردار می‌گردد و راغب می‌شود تا در اجتماعات مدنی، اجتماعی و سیاسی شرکت کند، زیرا حفظ مال و جان خود را به عنوان حقوق طبیعی و اساسی ضروری می‌بیند و راه حفظ آن را در وجود یک

۳۰- هیچ کودکی نباید به طور غیرقانونی و خودسرانه زندانی شود. دستگیری، بازداشت و یا زندانی کردن یک کودک می‌بایست مطابق با قانون باشد و به عنوان آخرین راه چاره و برای کوتاه‌ترین مدت ممکن باید بدان متوسل شد و همچنین هر کودک زندانی می‌بایست از حق دسترسی سریع به مشاوره حقوقی و یا سایر مساعدت‌های ضروری و نیز حق اعتراض نسبت به مشروعیت زندانی شدن خود در برابر دادگاه یا سایر مقامات ذیصلاح، مستقل، بی‌طرف و تصمیم‌گیری سریع در این گونه موارد برخوردار باشد.

۳۱- اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸

۳۲- لاک، رساله حکومت

۳۳- لاک، رساله حکومت

حکومت می‌بیند (لعل‌علیزاده، ۱۳۹۵: ۹۶).

در کنوانسیون حقوق کودک (ماده‌های ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳ و ۴۴) نیز بحث از امنیت کودکان به عنوان حق اساسی آنان مطرح شده است. به طوری که ما در این پژوهش، امنیت را از ارکان اصلی کنوانسیون حقوق کودک می‌دانیم. در ده ماده از کنوانسیون حقوق کودک، محور اساسی بحث امنیت است و بر این اساس می‌توان امنیت را از مفاد و ارکان اصلی کنوانسیون حقوق کودک به حساب آورد، همان‌طور که در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز، امنیت یک رکن کلیدی می‌باشد.^{۴۴} جان لاک نیز، جان و مال را به عنوان حق طبیعی برای بشر به حساب می‌آورد. محافظت از مال و جان، به قدری حائز اهمیت است که انسان‌ها از وضع طبیعی به وضع قراردادی و مدنی تغییر وضعیت می‌دهند تا بتوانند از حقوق طبیعی خود محافظت کنند. بر همین اساس، امنیت به عنوان مطلب شاخص در حقوق طبیعی جان لاک و کنوانسیون حقوق کودک شناخته می‌گردد.

نتیجه

قرائت حقوق طبیعی از نظر جان لاک به این نحو است که هر فردی دارای یک سری حقوق ذاتی می‌باشد

۳۴- کودک در مقابل دخالت در امور خصوصی خود مورد حمایت قانون است و کسی حق هتک حرمت به او را ندارد.

۳۵- کودک باید از هرگونه سوءاستفاده و خشونت‌های جسمی، جنسی و روحی در امان باشد.

۳۶- کودک نباید به طور موقت و یا دائم از محیط خانواده و از منافع خویش محروم باشد.

۳۷- کودک باید در زمینه مسائل بهداشتی و پزشکی از امنیت مناسب برخوردار باشد.

۳۸- کودک باید دارای امنیت جسمی و روحی باشد.

۳۹- کودک باید در مقابل هرگونه استثمار اقتصادی در امان باشد.

۴۰- کودک باید در مقابل هرگونه مواد مخدر و محرک در امان باشد.

۴۱- کودک باید در مقابل تمام اشکال سوءاستفاده‌ها و استثمارهای جنسی ایمن باشد.

۴۲- کودک باید در مقابل هرگونه شکنجه و رفتارهای بی‌رحمانه و غیرانسانی در امان باشد و همچنین مجازات‌هایی نظیر اعدام و حبس ابد بدون امکان بخشودگی را نیز نمی‌توان برای کودک صادر کرد.

۴۳- کودک باید در مقابل هرگونه حمله نظامی در امان باشد و همچنین نباید در هیچ جنگی شرکت کند.

۴۴- اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۹۴۸

که عقل سلیم انسان به آن پی می‌برد و همگان در این حقوق برابر هستند. لاک اذعان دارد که حقوق طبیعی انسان عبارت از است از آزادی، جان و مال و هیچ شخصی حق تعرض به این حقوق طبیعی را ندارد. لاک همچنین در کنار حقوق طبیعی از اصطلاح قانون طبیعی استفاده می‌کند که عبارت است از قانونی که در جهان به صورت ذاتی و طبیعی حاکم است و حقوق طبیعی انسان نیز در پرتو قانون طبیعی می‌باشد. از سوی دیگر، جان لاک به وضعیت طبیعی اشاره می‌کند، یعنی وضعی که تمامی انسان‌ها در آن به صورت برابر حضور دارند و هر کس داور اعمال خویش می‌باشد. پس از ورود فرد به اجتماع، ممکن است هرگاه تعرضی به مال و جان فرد وارد شود و در این صورت دیگر نمی‌توان قائل بود که هر شخص داور اعمال خویش است. بر این اساس، نیاز به حکومت مدنی و قوانین پیدا می‌شود. حاکمیت در وضعیت مدنی باید حافظ جان و مال اشخاص باشد و امنیت این حقوق طبیعی را تضمین کند.

بنابراین باید ادعا کرد که در تقریر جان لاک از حقوق طبیعی چند رکن اساسی وجود دارد. افراد بشری همه صاحب عقل سلیم می‌باشند و در این مطلب همگان با یکدیگر برابر هستند، بنابراین وضعیت مساوات میان افراد از همین نکته شناسایی می‌گردد. همچنین، این عقل است که حقوق طبیعی انسان را به او می‌فهماند و همه نیز در فهم حقوق طبیعی خود به یکدیگر احتیاجی ندارند. در نتیجه می‌توان گفت که عقل، برابری و مساوات بنیان نظریه حقوق طبیعی جان لاک می‌باشد. در کنار بنیان اساسی برابری و مساوات، امنیت بنیان دیگر این نظریه می‌باشد، زیرا وظیفه هر حکومت و قانونی حفاظت از حقوق طبیعی انسان می‌باشد.

منشورها و اعلامیه‌های متعددی در طول تاریخ صادر شده است که با بررسی آن می‌توان دریافت که مفاد آن حفاظت از آزادی، برابری، جان و مال انسان می‌باشد. برخی از اعلامیه‌های جهانی که دغدغه حمایت از حقوق بشر را دارند، براساس آزادی، برابری و امنیت از جان و مال استوار هستند. با تأمل در آن‌ها می‌توان چنین ادعا کرد که مفاد آنان با حقوق طبیعی جان لاک متناسب است و یا حتی، قرائت جان لاک تأثیر مستقیم و یا غیرمستقیم در محتوای این چنین اعلامیه‌ها و قوانینی گذاشته است. کنوانسیون حقوق کودک که در نوامبر سال ۱۹۸۹ میلادی تصویب شده است، از جمله منشورهایی است که مفاد آن متناسب با مبانی حقوق طبیعی جان لاک می‌باشد. این کنوانسیون که شامل یک مقدمه و سه بخش می‌باشد، بر سه محور استقلال کودک، آزادی کودک و امنیت کودک استوار شده است. بر همین اساس

می‌توان چنین ادعا کرد که کنوانسیون حقوق کودک کاملاً مطابق نظریه حقوق طبیعی می‌باشد و ارکانی که از آن استخراج می‌گردد، مطابق با ارکان تقریر جان لاک از حقوق طبیعی است. از آنجایی که قرائت جان لاک از حقوق طبیعی، قرائت مشهوری می‌باشد و تأثیر او در جهان اندیشه بر کسی پوشیده نیست و همچنین تأثیر اندیشه‌های او در قوانین و منشورهای دیگری نیز مسلم است، می‌توان ادعا کرد که کنوانسیون حقوق کودک نیز از آراء این متفکر بهره برده است.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- شریعت، فرشاد، ۱۳۸۴، بررسی مبانی لیبرالیستی حقوق بشر با تطبیق بر آرای جان لاک، **دانش سیاسی**، شماره ۱.
- طباطبائی، سیدجواد، ۱۳۹۳، **تاریخ اندیشه سیاسی جدید در اروپا**، تهران، انتشارات مینوی خرد.
- عالم، عبدالرحمن، ۱۳۹۶، **تاریخ فلسفه سیاسی غرب عصر جدید و سده نوزدهم**، چاپ نوزدهم، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- لعل‌علیزاده، محمد، ۱۳۹۵، بررسی و مقایسه رابطه آزادی و امنیت در اندیشه سیاسی توماس هابز و جان لاک، **هستی و شناخت**، شماره ۲.
- هادوک، بروس، ۱۳۹۲، **تاریخ اندیشه سیاسی از عهد باستان تا امروز**، ترجمه محمدحسین وقار، تهران، انتشارات اطلاعات.
- محمودی، سیدعلی، ۱۳۷۶، نظریه آزادی لاک، **نامه فلسفه**، شماره ۱.
- مکتبی، احسان، ۱۳۹۶، **دین و دولت در مکتب قرارداد اجتماعی**، تهران، انتشارات کویر.

لاتین

- Convention on the Rights of the Child, 1989, Retrieved from <https://www.unicef.org/child-rights-convention/convention-text>
- Cranston, Maurice, 1986, Locke and Liberty, the Wilson Quarterly, Vol. 10, No. 5.
- Hobbes, Thomas, 1651, Leviathan: Or the Matter, Forme, & Power of a Common-Wealth Ecclesiastical and Civil, London: Green Dragon.
- Hume, David, 1739, Treatise of Human Nature, Retrieved from Hume Texts Online: <https://davidhume.org/texts/t/full>
- Locke, John, 1824, The Works of John Locke, in Nine Volumes, 12 ed. , London: Rivington.
- Locke, John, 1823, Two Treatises of Government, London: Printed for Thomas Tegg; W. Sharpe and Son; G. Offor; G. and J. Robinson; J. Evans and Co.: Also R. Griffin and Co. Glasgow;and J. Gumming, Dublin, Retrieved from
- Thomson, Garrett, 2015, On Locke, Translated by Ali Hagh, Tehran: Negah Moaser.
- Universal Declaration of Human Rights, 1948, Retrieved from <https://www.un.org/en/about-us/universal-declaration-of-human-rights>

Legal Civilization

No.17- Winter 2024

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

- An Investigation of the Necessity to Disclose the Existence of Contract in Third Party Funding in International Arbitration and Privilege
Mohammad Mahdi Asadi
- Aggravated Qualities of Crime in Iranian Criminal Law
Mohammad Kamali, Mohammadbagher Basir
- The Foundations of Natural Rights in John Locke and Its Impact on the Convention on the Rights of the Child
Mohamad Mahdi Davar, Saeideh Taslimi
- Decriminalization; an Attitude to Prevent the Persistence of Juvenile Delinquency
Mohammad Javanbakht, Parisa Karimej, Mohaddeseh Sadeghian Lamraski
- Examining the Concept of the Holder of a Commercial Document
Sara Farzadimehr, Shapoor Mohammadhosseini, Mohammadreza Haghighi
- The Effect of Islamic Lifestyle in the Prevention of White-Collar Crimes: Legal and Jurisprudential Analysis
Maryam Kamaei, Zahra Ansarifar, Petter Gottschalk
- Methods of Resolving Disputes in FIDIC Contracts
Arman Yaghobi Moghadam, Mohammad Gholampor Vishkaei, Mohammad Yararshadi
- Examining the Analyzing the Evolution of the Criminal Phenomenon of Genocide in the Historical Context
Mohammad Javanbakht, Minoo Mohammadei, Kiomars Kalantari daroonkela
- The Role of the Judge in the Execution of Criminal Sentences in Deterrence and Individualization of Punishment
Zahra Nazari
- Criticism and Assessment of Managers' Responsibility for the Company's Tax Liabilities Based on the Legal Bill to Amend a Part of the Commercial Law and the Direct Taxes Law
Nima Rezaei, Mohammad Shojaei Far, Amirhasan Abolhasani
- Tax Crimes with an Approach to Penology in Iranian Law
Sayyedeh Faezeh Fatemi
- Competent Authority and Demand Title in Land Nationalization Lawsuits
Moslem Alahyari
- Executive Challenges of Children and Adolescent Rights Protection Offices Centered on the Role of Judge
Sayyed Mehdi Ahmadi, Nastaran Arzainan
- Environmental Responsibility of Multinational Companies in the Oil Industry with Emphasis on the "Polluter Pays" Principle
Hadi Masoudifar, Fatemeh Naeimi Shamel
- The Impact of Restorative Justice and Criminal Policy on Sexual Victimization of Children (from Protection to Rehabilitation)
Sayyed Hossein Dehghan Naycri, Maryam Mosaferi
- The Right to Self-Determination as one of the Basic Human Rights Regarding Transgender People (with Emphasis on the Decree Issued by the 13th Branch of the Court of Appeal of Mazandaran Province)
Mohammad Saeid Hosseini, Heshmat Rostami Daroonkela, Mohammad Mehdi Saki, Fatemeh Dehghan, Abbas Rezaei Gilani4
- Protection of the Cultural Rights of Prisoners in International, Regional Instruments and Iranian Legal System
Marjan Negahi Mokhlesabadi
- Analysis of the Tax Law System Governing Commercial Companies
Parisa Rezvan, Ali Zare
- Human Dignity in Criminal Law and International Documents
Mohammad Amin Ebrahimi
- The Role of Government-Owned Property in Promoting Economic Goals: Analysis of Laws and Examination of Obstacles and Solutions
Elham Derki, Ayda Mokhtarch, Behnam Rastegari
- Subjectivity and Proof of Crime in the Islamic Penal Code Approved in 2012
Sadegh Banitarafian Havizavi
- The Differential Criminal Policy of the Armed Forces Law against the Sale of Military Property and Objects
Yasser Shakeri